همسر این مرد هم به ایدز مبتلا شد

پیوند مرگ به مهندس پرواز با کلیه ایدزی



گروه حوادث: پرونده تلخ یک مهندس پرواز و همسرش که بخاطر پیوند کلیه مرد ایدزی به سرنوشت سیاهی گرفتار شده‌اند پس از ۱۱ سال در دادگاه جنایی تهران بررسی شد.

مهندس پرواز بخاطر آلودگی به ایدز جان باخت و دیروز خانواده‌اش خواستار دریافت دیه وی و خسارت ناشی از ابتلای مادرشان به این بیماری از صندوق بیت‌المال شدند.

پیوند کلیه

محمد ۳۶ ساله که مهندس پرواز بود از چند سال قبل به نارسایی کلیوی مبتلا شد و نیاز به پیوند فوری کلیه پیدا کرد.

او و خانواده اش برای یافتن یک اهدا کننده کلیه تلاش فراوانی کردند تا اینکه سرانجام با یک مرد ۳۰ ساله به نام بهنام که حاضر به فروش کلیه بود آشنا شد.

بهنام حاضر بود در ازای دریافت ۴ میلیون تومان یکی از کلیه هایش را بفروشد. وی برای انجام آزمایشات در بیمارستان بستری شد و دو ماه بعد وقتی روشن شد وی امکان اهدا را دارد در سال ۸۵ عمل موفقیت آمیز پیوند کلیه انجام و چند روز بعد مهندس پرواز از بیمارستان ترخیص شد.

کلیه ایدزی

چند ماه بعد از عمل پیوند حال محمد بد شد. وی که از ضعف عمومی شدید رنج می برد بار دیگر در بیمارستان بستری شد ولی پزشکان به علت بی حالی عمومی وی پی نبردند.

محمد این بار به بیمارستان دیگری منتقل شد که با تکمیل آزمایشات روشن شد وی به بیماری ایدز مبتلا شده است.

این ماجرا شوک بزرگی برای مهندس پرواز و خانواده اش بود. آنها اولین شکایت خود را در دادسرای امور پزشکی علیه بیمارستانی که در آن عمل پیوند صورت گرفته بود مطرح کردند چون گمان می کردند بیماری ایدز به خاطر آلوده بودن وسایل و تجهیزات اتاق عمل به او منتقل شده است. اما وقتی روشن شد قصوری از سوی بیمارستان صورت نگرفته است ظن آنها متوجه اهدا کننده کلیه شد.

مرگ مهندس پرواز

این در حالی بود که هیچ ردی از بهنام و خانواده اش در دست نداشتند. سرانجام با گذشت ۱۷ ماه از عمل جراحی پیوند کلیه، مهندس پرواز روی تخت بیمارستان تسلیم مرگ شد و خانواده وی پیگیر پرونده اش شدند.

مرگ فروشنده کلیه

در بررسی ها روشن شد احتمالا اهدا کننده کلیه برای انجام آزمایشات یک فرد سالم را به بیمارستان معرفی کرده بود تا بتواند بیماری اش را پنهان کند. در حالی که هیچ ردی از وی و خانواده اش در دست نبود خواهر محمد سرنخ خوبی ارائه داد. وی به خاطر آورد روزی که عمل جراحی پیوند صورت گرفته بود برای نخستین بار با پدر اهدا کننده روبه رو شده و دریافته بود سال ها قبل با او در وزارت نفت همکار بوده است.

این زن با مراجعه به بایگانی وزارت نفت پرونده پدر بهنام را یافت و فهمید این مرد قبل از بازنشستگی دوبار درخواست وام بلاعوض را مطرح کرده بود. یکبار به خاطر ابتدای پسرش به بیماری ایدز و یکبار هم برای برگزاری مراسم ختم پسرش که مدتی پیش به خاطر بیماری ایدز جان سپرده بود. با این سرنخ نشانی از خانواده بهنام به دست آمد و این در حالی بود که بهنام چند ماه قبل به خاطر بیماری ایدز جان سپرده بود.

مجازات پدر مرد ایدزی

با توجه به اینکه بهنام هنگام اهدای عضو مجرد بود و پدر و مادرش رضایت خودشان را از انجام عمل پیوند اعلام کرده بودند پدر بهنام به جرم مخفی نگه داشتن حقیقت بازداشت شد.

وی گفت: قبول دارم ما وضع مالی خوبی نداشتیم ولی نمی دانم چرا پسرم تصمیم گرفت تا کلیه اش را بفروشد. او پول کلیه را برای خودش می خواست و از من خواسته بود تا بیماری او را از دریافت کننده کلیه و خانواده اش پنهان کنم.

به این ترتیب پدر بهنام با حکم قضایی به ۱۰ سال زندان محکوم شد. او با گذراندن دو سوم دوران محکومیتش توانست از عفو مشروط بهره ببرد و آزاد شود.

سایه ایدز بر سر مادر خانواده

در این میان مشخص شد همسر محمد نیز به ایدز مبتلا شده است. به این ترتیب پرونده بار دیگر به جریان افتاد و خانواده محمد که اولیای دم محسوب می شدند به همراه همسر بیمار وی دیروز در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران حاضر شدند و به تشریح شکایت شان پرداختند.

در دادگاه

در این جلسه که همسر محمد حضور داشت وکیل مدافع وی و اولیای دم به دفاع پرداخت و به قضات گفت: با توجه به اینکه وزارت بهداشت مسئول احراز هویت اهدا کننده و دریافت کننده اعضا در عمل های جراحی پیوند است به نظر می رسد در این مسئولیت قصور کرده و متوجه آزمایشات اشتباهی اهدا کننده کلیه نشده است. از این رو چون وزارت بهداشت دارای ردیف بودجه است، چنانچه این موضوع اثبات شود به خاطر مرگ محمد و همچنین بیماری همسر وی درخواست دریافت دیه داریم.

وی ادامه داد: همسر محمد در این سالها که با بیماری ایدز دست و پنجه نرم می کند به سختی زندگی اش را می گذراند. او خسارت زیادی را متحمل شده و بهنام مقصر اصلی این ماجراست. به همین خاطر ما درخواست دریافت دیه کامل محمد و دیه جبران خسارت های همسرش را از صندوق بیت‌المال داریم.

در پایان جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا درباره این پرونده حکم صادر کند.

اخبار حوادث

جنایت مسموم برای ارثیه پدری



گروه حوادث: پسر جوان برای رسیدن به ارثیه پدری اش دست به قتل معمایی پدرش زد و سعی داشت با داستانسرایی ماجرای قتل را پنهان کند اما سکوتش را شکست. روز یکشنبه ۲۱ مرداد ماه سال جاری مسئولان بیمارستان امام حسین (ع) در تماس با ماموران کلانتری ۱۰۷ فلسطین از مرگ مشکوک مرد ۵۳ ساله‌ای بخاطر مسمومیت خبر دادند.

بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران به دستور بازپرس شعبه ۱۰ دادسرای امور جنایی برای افشای راز این مرگ مرموز وارد عمل شدند. کارآگاهان در گام نخست پی بردند شریک مرد ۵۳ ساله و پسرش نیز به خاطر مسمومیت در بیمارستان تحت نظر قرار دارند.

پدر و پسر جوان پس از درمان از بیمارستان ترخیص می شوند و کارآگاهان در این مرحله برای تحقیقات بیشتر به سراغ شریک کاری قربانی مرگ مرموز می روند.

مرد جوان در بازجویی ها به پلیس گفت: من و پسرم داخل مغازه مان در خیابان بهار بودیم، شریکم و پسرش نیز داخل مغازه بودند تا اینکه موقع ناهار شد.

وی افزود: هنوز چند قاشق از غذا نخورده بودیم که متوجه مزه بد غذا شدیم که من و پسرم از خوردن غذا صرف نظر کردیم اما شریکم و پسرش همه غذاهایشان را خوردند تا اینکه پس از یک ساعت من، پسرم و شریکم حالمان بد شد و فهمیدیم که مسموم شدیم و در تماس با اورژانس به بیمارستان امام حسین(ع) منتقل شدیم.

این مرد ادامه داد: من و پسرم به صورت سرپایی درمان شدیم اما شریکم که غذای زیادی خورده بود به کام مرگ فرو رفت.

کارشناسان پزشکی قانونی علت مرگ مرد ۵۳ ساله را مسمومیت شدید اعلام کردند و کارآگاهان با توجه به اینکه تنها فردی که در این ماجرا با خوردن غذا مسموم نشده پسر قربانی این جنایت مرموز است.

در ادامه ماموران به سراغ دوربین های مداربسته داخل مغازه رفتند و در بررسی های تصاویر پی بردند که دوربین مغازه روز ۲۱ مرداد ماه هیچ تصویری را ضبط نکرده است.

کارآگاهان با توجه به مرموز بودن این اتفاقات به سراغ پسر قربانی جنایت مسموم رفته و روز ۲۴ مرداد ماه محسن را در منطقه تهرانپارس دستگیر کردند.

محسن ابتدا خود را بیگناه می دانست و ادعا می کرد در مرگ پدرش هیچ نقشی نداشته و اینکه روز حادثه غذای او مسموم نبوده یک اتفاق بوده است. پسر جوان سعی داشت با داستانسرایی هایش خود را بیگناه معرفی کند اما وقتی در تناقض گویی هایش گرفتار شد پس از ۳ روز لب به سخن باز کرد.

محسن روز ۲۷ مرداد ماه در اعترافاتش گفت: چندی قبل مشکلات مالی زیادی برای من پیش آمد و هر چه به دنبال یک راه حل بودم بی فایده بود تا اینکه تصمیم گرفتم به زندگی خودم پایان دهم و با مرگ خودم همه مشکلات را از بین ببرم.

وی افزود: برای خودکشی با ۱۵ هزار تومان سم خریدم و داخل مغازه پدرم منتظر بودم تا نقشه ام را به اجرا بگذارم اما قبل از اینکه دست به خودکشی بزنم یک فکر کثیف به سراغم آمد و لحظاتی روی آن متمرکز شدم.

پسر جوان ادامه داد: تصمیم گرفتم پدرم را به قتل برسانم تا با ارثی که به دست می آورم مشکلات مالی ام را حل کنم و به زندگی ام ادامه دهم.

محسن گفت: برای صحنه سازی و اینکه دستم رو نشود داخل غذای پدر و شریکش سم ریختم اما داخل ظرف پدرم سم بیشتری ریختم تا برای شریک پدرم و پسرش اتفاقی نیفتد و سپس برای پنهان ماندن این ماجرا به سراغ دوربین های مداربسته رفته و آنها را از کار انداختم.

وی ادامه داد: شریک پدرم و پسرش همان ابتدا متوجه تغییر طعم غذا شدند و دیگر غذا نخوردن اما من و پدرم غذایمان را خوردیم که پدرم دچار مسمومیت شد و روی تخت بیمارستان به کام مرگ فرو رفت اما فکر نمی کردم همه نقشه هایم فاش شود.

بنا به این گزارش، محسن به دستور بازپرس شعبه ۱۰ دادسرای ناحیه ۲۷ تهران برای تحقیقات بیشتر در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

خبر

پلیس آمل در تعقیب مرد همسایه است

اسیدپاشی هولناک به زن و شوهر در پارکینگ

گروه حوادث: پیرمرد همسایه به خاطر یک کینه قدیمی در اقدامی هولناک دست به اسیدپاشی خانوادگی زد. عقربه ها ساعت ۲۴ روز ۲۵ مرداد را نشان می داد که صدای فریادهای یک خانواده سکوت کوچه رحیمی آمل را شکست. حمیدرضا همراه همسر و دو پسرش قربانی جنایت اسیدی پیرمرد همسایه شده بودند. ماموران پلیس پس از این حادثه در محل حاضر شدند اما عامل اسیدپاشی از محل گریخته بود.

تحقیقات پلیسی نشان از آن داشت که شب حادثه حمیدرضا همراه خانواده اش قصد سفر داشتند به همین خاطر برای خداحافظی به خانه پدرزنش رفته بود و پس از خوردن شام به خانه خودشان بازگشته اند اما مرد جوان نمی دانست چه سرنوشت سوزناکی در انتظارش است.

حمله مرد اسیدپاش

حمید رضا همراه خانواده اش به خانه بازگشتند که با صحنه عجیبی روبرو شدند، پیرمرد همسایه با یک گالن ۴ لیتری در پارکینگ ایستاده بود و گویا از قبل منتظر رسیدن حمیدرضا و خانواده اش بود.

حمیدرضا وارد پارکینگ شد که پیرمرد همسایه در این صحنه، مایع داخل گالن ۴ لیتری را داخل یک پارچ ریخته و به سمت مرد جوان حمله می کند، حمیدرضا ابتدا فکر می کند داخل پارچ، آب است اما وقتی مایع داخل پارچ روی حمید رضا ریخته شد فریادهای سوختم سوختم او نیز بلند شد. زن حمیدرضا که فریادهای شوهرش را می شنید به سرعت وارد پارکینگ شد و این در حالی بود که پیرمرد عصبانی در حال پر کردن پارچ اسید بود و اینبار زن حمیدرضا هدف اسید پاشی قرار گرفت.

عامل این اسیدپاشی در حالی که زوج جوان در حال سوختن بودند سرگرم پر کردن پارچ سوم اسید بود که ناگهان پسر ۱۸ ساله حمیدرضا از پشت پیرمرد را هل داد و مانع ادامه کار او شد. پیرمرد عصبانی در این صحنه با میله آهنی که در دست داشت به جان این پسر نوجوان افتاد و این در حالی بود که در این درگیری قطرات اسید روی پاهای پسربچه خانواده ریخته شد.

فرار مرد اسیدپاش

همسایه ها با فریادهای «کمک، کمک و سوختم» خانواده حمیدرضا وارد پارکینگ شدند و پیرمرد عصبانی را از پسر ۱۸ ساله جدا کردند و در این لحظه پیرمرد همسایه با توجه به شلوغی در پارکینگ از فرصت استفاده کرد و پا به فرار گذاشت. حمیدرضا از ناحیه دست، صورت و چشمانش به شدت آسیب جدی دیده بودند و همسر وی از ناحیه گردن دچار سوختگی شده بود که خیلی زود زوج جوان و پسر کوچک خانواده که از ناحیه پا قربانی اسیدپاشی شده بودند همراه پسر ۱۸ ساله که از ناحیه سر دچار شکستگی شده بود به بیمارستان سوانح سوختگی ساری منتقل شدند.



انگیزه اسیدپاشی

ماموران در این مرحله پی بردند که ۱۰ سال قبل عامل اسیدپاشی خانه اش را از حمیدرضا خریده بود اما در این مدت ۲۳ میلیون تومان بدهکار بود تا اینکه ۲ سال قبل حمیدرضا بخاطر طلبش از مرد همسایه شکایت کرد و دادگاه این مرد را پس از چند روز زندان به ۷۰ میلیون تومان پول بابت بدهکاری اش محکوم کرده است.

بررسی ها نشان از آن داشت که پیرمرد همسایه پس از آزادی چند بار خودش را به جلوی خودروی حمیدرضا انداخته و سعی داشته با صحنه سازی از وی انتقام بگیرد که در این ماجرا موفق نبوده و احتمال می رود این مرد بخاطر کینه قدیمی دست به این اسیدپاشی هولناک زده است. بنا به این گزارش، تحقیقات برای دستگیری عامل این اسیدپاشی ادامه دارد و قربانیان این ماجرا نیز تحت نظر پزشکان قرار دارند.

این مرد ۱۴۸ سال زندانی می شود

جزییات سیاه از مخوف ترین ابلیس

گروه حوادث: مرد شیطان صفت با حمله به زوج های جوان زنان را در برابر دیدگان شوهرانشان هدف نیت شوم خود قرار می داد. این ابلیس دست و پای مردان را می بست تا مزاحمی در اجرای دسیسه های سریالی اش نداشته باشد.

راشید پاول ابتدا تبهکاری هایش را با سرقت های کوچک شروع کرد اما خیلی زود یک دزد حرفه ای شد و دست به سرقت های مسلحانه زد.

شیطان ۴۳ ساله بعد از سرقت‌های مسلحانه برای هیجان بیشتر به مرد متجاوزی تبدیل شد که زنان و دختران را هدف نیت شوم خود قرار داد.

وحشتناک ترین صحنه

شاید وحشتناکترین صحنه برای یک مرد دیدن صحنه تجاوز یک شیطان به همسرش باشد.

راشید هم برای اجرای نقشه هایش به سراغ زوج های جوان رفته و ابتدا مردان را زمینگیر کرده و پس از بستن دست و پاهای مردان، آنها را مجبور می کرد تا صحنه های تلخ تجاوز به همسرانشان را مشاهده کنند. این مرد سپس مردان را داخل حمام زندانی کرده و زنان را تا ۶ بار مورد تجاوز قرار می داد که به همین خاطر این مرد شیطان صفت به متجاوز حمامی معروف شده است.

زندگی پنهانی

با افزایش این پرونده ها ماموران پلیس نیوجرسی برای دستگیری ابلیس مخوف وارد عمل شدند اما در تحقیقات به درهای بسته خوردند تا اینکه مشخص شد مرد شیطان صفت با تغییر و جعل هویت خود زندگی پنهانی را آغاز کرده است. همین سرنخ کافی بود تا این مرد در خانه ای که به صورت پنهانی و با نام فرد دیگری خریداری کرده بود دستگیر شود.



پرستش ابلیس

بعضی از قربانیان بعد از دستگیری راشید ادعا کردند که این مرد آنها را مجبور می کرد تا در برابر چشمان همسرانشان او را پرستش کنند و سپس راشید با بستن دست و پاهای مردان آنها را مجبور کرده تا کارهای کثیف با زنانشان را مشاهده کنند.

در دادگاه

ابلیس پس از دستگیری در دادگاه نیوجرسی مورد محاکمه قرار گرفت و پس از افشای جزییات این پرونده سیاه دادگاه و هیئت منصفه پس از ۸ هفته و ۳ روز و نیم مشورت، راشید را به ۱۴۸ سال زندان به خاطر تجاوزهای جنسی و سرقت های مسلحانه محکوم کردند.